

مبارزات شیعه در قرن اول هجری

خودکامگان بنی امیه و بنی عباس در هیچ زمان از حملات شیعیان مجاهد ازجان نلشسته در امان نبودند

واژه «شیعه» بمعنای یاران «پیروان» می باشد ، این واژه ، نامی است که در تاریخ اسلام یاران و پیروان علی بن ابی طالب (ع) که بفرهبری و امامت او و فرزنداناش اعتقاد داشته و به مخالفان پیامبر ، مهر و علاقه ویژه ای دارند ، به آن نامیده شده اند ، حتی این کلمه بعنوان یاران و علاقه مندان مخصوص علی (ع) در عصر پیامبر (ص) نیز رواج داشت .

تاریخ شیعه تاریخی طولانی و پرفراز و نشیب است که با تاریخ اسلام همزمان آغاز شده و همگام با آن ، پیش رفته است .

شیعیان در آغاز یباییش ، یک گروه اسلامی بودند که علی (ع) را شایسته ترین فرد برای خلافت می دانسته ولی این گروه ، به صورت یک حزب مشکل سازمان یافته نبود ، بلکه از افراد فراوانی تشکیل می یافت که در نقاط و شهرهای مختلف اسلامی پراکنده شده بودند و عامل پیوند آنان ، اعتقاد به شایستگی علی (ع) برای رهبری امت اسلامی ، و علاقه ویژه به خاندان رسالت بود و بسیاری از آنان از یاران برجسته پیامبر اسلام (ص) بشمار می رفتند .

نقش عاشورا در شکوفایی تشیع

(ع) ایام کردند ، نخستین جلوه این گروه مشکل بشمار می رفتند .

عملیات سازمان یافته توأیین

«صعودی» می گوید : در سال ۶۵ هجری شیعیان کوفه به جنبش درآمدند و بواسطه آنکه امام حسین (ع) را یاری نکرده بودند او یگانه کشته شده بود ، یکدیگر را ملامت نموده اظهار تدامت کردند و به اشتباه خود در کوتاهی در یاری حسین بن علی (ع) بی بردند و یا خود گفتند : این لکه ننگ از دامن ما بالکنشی شود مگر آنکه انتقام خون حسین بن علی (ع) و یاران او را از قاتلان آنان بگیریم یا کشته شویم .

«طبری» نیز تلور گروه شیعیان در گروه توأیین را پس از شهادت حسین بن علی (ع) چنین شرح نموده می نویسد :

«توأیین حرکتی جمع آوری ساز و برگ جنگی و آمادگی برای جنگ بود و بطور سری شیعیان را یکدیگر را به خود بخوانی حسین بن علی (ع) دعوت می نمودند و مردم گروه گروه به آنان می پیوستند .»

عملیات سازمان دهی شیعیان ، و گروه توأیین

انحصار به کوفه نداشت ، بلکه «سلیمان بن صر»

«بصر» نیز دعوت کرد که به جنبش توأیین به

نویس ، جنبش شیعیان بیخیزیش رنگدینی به

شود گرفت ، بطوری که جنبه دینی آن برجسته

سیاسی غلبه یافت .

با آنکه شیعیان پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)

نهایت اهمیت بودند که علی بن ابی طالب (ع) را

بر اساس شایستگی هائی که داشت ، و با این اعتقاد

که از جانب پیامبر ، برای جانشینی تعیین شده بود

تلاش کردند تا این برای تصدی خلافت می دانستند ، و

گرچه پس از قتل عثمان و به خلافت رسیدن علی (ع) بسیاری از مسلمانان از او به عنوان خلیفه اسلامی پشتیبانی کردند ، اما رفته رفته خون پاک حسین (ع) (لوه پیامبر اسلام) و جان سردمرا و بدار ساخت و آنان را به عین و عظمت شایعه و مصیبتی که خاندان پیامبر را این حادثه تحمل کرده بودند متوجه ساخت و بدین ترتیب ، تشیع که طرفدار حقانیت خاندان رسالت بود ، این حادثه را در مبارزات خود نقطه عطفی قرار دادند .

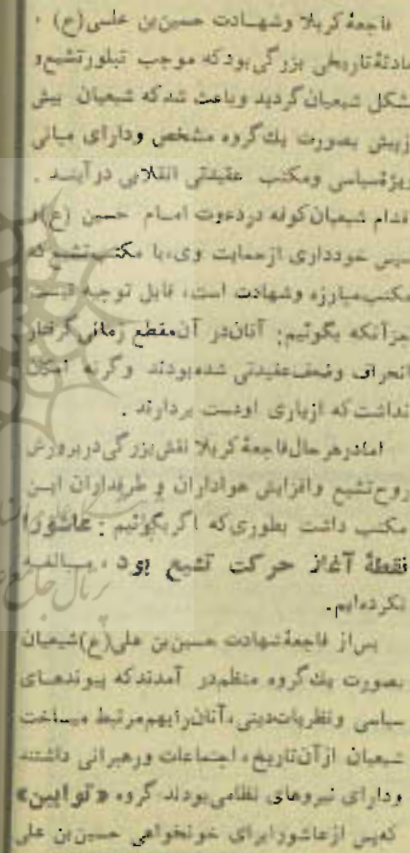
در اثر شهادت حسین بن علی (ع) ، بسیاری از مسلمانان غیر عرب به تشیع گرایش پیدا کردند زیرا او را بزرگترین نمونه جانبازی و فدائاری و مقاومت در برابر ستم و مصائب در راه آزادی و سعادت بشر یافتند و چون ایرانیان فطرتاً تمایل به خدا کاری و جانبازی در راه آرمانهای بشری داشتند ، قرار کاری و از خود گذشتگی حسین بن علی (ع) با استعداد طبیعی آنان سازگار بود و از این رو شیعه را محسن ویرنامه او گشتند .

بشهادت حسین بن علی (ع) شیعیان رهبر خود را که محور اجتماعات ، سازمان دهنده نیروهای آنها بود ، و آنان را در راه اجرای تعالیم اسلام و احقاق آرمانهای اصل تشیع ، فرماندهی می کرد از دست دادند .

پس از جامعه کربلا امام زین العابدین بواسطه شرایط نامساعد سیاسی ، از فعالیت های سیاسی صرف نظر نموده به عبادت و مناجات پرداخت و تنها بصورت رهبر معنوی باقی ماند و از این طریق پاسداری از آرمانهای شهادت بدورا به عهده گرفت .

مبارزات شیعیان در عراق

پس از شهادت حسین بن علی (ع) ، عراق به صورت مرکز فعالیتها و مبارزات شیعیان درآمد ، و از همان سال ۶۱ هجری یعنی پس از جامعه کربلا



نهضت توأین آغاز گردید و این نهضت تا سال ۹۴ ادامه یافت و در این سال، یک نهضت دیگر شیعی یعنی نهضت «مختار لنگلی» به وجود آمد و مبارزات شیعیان را وارد روند جدیدی ساخت.

الیهمی توان گفت که نهضت مختار، از عوامل شکست نهضت توأین بود زیرا او خود را شایسته رهبری و سازمان دهی جنبش شیعیان می دانست و عقیده داشت که «سلیمان بن صرد» رهبر توأین فاقد تجربه و آگاهی لازم جهت رهبری تائیکه های جنگی و فعالیت های سیاسی است، همین دلیل مختار تعدادی از نیروهای شیعه را به سوی خود جذب کرد و در الرانساب نیروها، نهضت توأین به شکست انجامید.

در حال مختار در تاریخ شیعه در روزگار حکومت امویان نقش بزرگی ایفا کرد و تأثیر نهضت او تا آغاز حکومت عباسیان امتداد یافت. مختار از آغاز کار، توجه داشت که برای پیروزی خود، باید نحوی به مساندانان رسالت متکی شود تا بتواند به این وسیله نیروهای شیعه را به سوی خود جذب نماید، از این رو ابتدا به سوی «عبدالله بن زبیر» (پسر عمه علی بن ابی طالب) گرایش پیدا کرد، سپس کوشید تا علی بن الحنفی (ع) ارتباط برقرار سازد و حمایت او را جلب نماید ولی وقتی در این کار شکست خورد، «محمد بن حنفیه» را در نظر گرفت و نظرا و رابه نهضت خود جلب نمود.

بعضی عقیده دارند که امام چهارم حضرت سجاد (ع) چون شرایط سیاسی را برای برقراری ارتباط مستقیم با مختار، مساعد نمی دید، بطور پنهانی از طریق عویش محمد بن حنفیه او را تأیید و رهبری می کرد، بنابراین در واقع، محمد بن حنفیه نقش رابط را در میان آن دو، به عهده داشت.

گرچه عوزنه سیاسی محمد بن حنفیه در این مقطع زمانی افزایش یافت ولی در حال، اسامه و رهبری شیع، در نسل فاطمه دختر پیامبر یاقی ماند و «فرقه کیسانیه» که متسبب به محمد بن حنفیه بود، در وقت آنرا رت.

امام محمد باقر (ع) نیز بر اثر همان شرایط تا مساعد سیاسی و اجتماعی که پدر ارجعتش با آن رو برو بود، همانند پدر از صحنه مبارزات سیاسی بدور ماند، و به همین جهت، در تاریخ شیعه نقش سیاسی به عهده نداشت، ولی در مقابل، یک نهضت فرهنگی و علمی را بنیانگذاری کرد و مکتب تشیع را از گرایش های انحرافی به سوی فرقه های گوناگون مصون نگاه داشت و به آن شکولانی بخشید.

پس از محمد بن حنفیه، پسرش «ابو هاشم» به فعالیت های سیاسی پرداخت، و هنگام مرگ، «محمد بن علی عباسی» رابه جانشینی خود برگزید. و این موضوع، یکی از عواملی بود که شیعیان از آن بهره برداری سیاسی کردند و متسبب به پیشش حکومت آنان در سال ۱۰۰ هجری گردید.

در آثای گسترش حکومت عباسیان که در آغاز کار خو نخواستن بنی هاشم را استوار سازد، قرارداده بودند یعنی از سال ۱۰۰ تا سال ۱۳۲ هجری، انقلاب های مختلفی توسط شیعیان رخ داد که بزرگترین آنها انقلاب «زید بن علی» (فرزند امام چهارم) نهضت پسرش «یحیی بن زید»، و قیام «عبدالله بن معاویه» (نوه جعفر بن ابی طالب) بود.

در این مدت، عباسیان و شیعیان، دو شاخه هم در صحنه حوادث ظاهر شدند و روابط دو جانبه نوسان یافت، گاهی بصورت همکاری برای پایان بخشیدن به حکومت امویان، و گاهی بصورت برخورد و ستیز درآمد، ولی پس از سقوط حکومت اموی، شیعیان در برابر حکومت عباسیان موضع مقاومت در پیش گرفتند.